

به نام خدا



دیدهبان رفاه و تامین اجتماعي

۱۴

سلسله نشست‌های گفت و شنود

با گروه‌های ذی‌ربط، ذی‌نفع و شرکای اجتماعي

متناسب سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعي:

طرحه برای ارتقای سطح زندگی مستمری‌بگیران

نشست چهاردهم با حضور:

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعي،

نمایندگان کانون‌های بازنشستگی، پژوهشگران حوزه بیمه‌ای،

نمایندگان خانه کارگری و برخی از مدیران سازمان تامین اجتماعي

تاریخ ۹۹/۴/۲۴



مرکز عالی پژوهش و آمار اجتماعي

فهرست مطالب

پیشگفتار رئیس مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی	۴
مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی	۶
مهرداد قریب، معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی	۸
علی اصغر بیات، رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته کشور	۱۰
قلی شادبخش، نائب‌رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته کشور	۱۱
محمد اسدی، عضو دبیر کانون عالی کارگران بازنشسته کشور ..	۲۱



فهرست مطالب

علیرضا حیدری، عضو خانه کارگر	۱۴
علی دهقان کیا، رئیس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران	۱۵
اسماعیل گرجی پور، رئیس دبیرخانه هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی	۱۷
سید هادی موسوی نیک، نماینده مرکز پژوهش های مجلس	۱۷
سخنان جمع بندی مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی	۱۸



گستره گسترده و گونه‌های گوناگون چالش‌هایی که سازمان تأمین اجتماعی با آن مواجه است، ضرورت مشارکت شرکای اجتماعی و ذی‌نفعان سازمان در فرایند سیاست‌گذاری را بیش‌ازپیش نموده است. در این راستا، رئیس جدید مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی در چهارچوب دیدگاه‌های محمد شریعتمداری؛ وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تأکیدهای مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، برگزاری مستمر نشست‌های گفت‌و شنود با گروه‌های ذی‌ربط، ذی‌نفع و شرکای اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده است.

در باب چرایی برگزاری این نشست‌ها از سوی یک مؤسسه پژوهشی نیمه‌مستقل مرتبط با یک دستگاه اجرایی بر این باورم که چنین مؤسسه‌ای برای خود رویکرد اندیشکده‌ای قائل است و به شش دلیل زیر باید به شکل‌های مختلف، از جمله نشست‌های گفت‌و شنود، ارتباطی ساختارمند با گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط (کنشگران) را در دستور کار داشته باشد:

۱. انتقال دیدگاه‌ها و دغدغه‌های صاحب‌نظران و شرکای اجتماعی به سیاست‌گذاران؛

۲. تشخیص و فهم بهتر مسائل و چالش‌ها؛

۳. دریافت راهکارهای مواجهه با مسائل با مشارکت ذی‌نفعان؛

۴. افزایش اعتماد میان نهاد پژوهشی و حوزه عمومی؛

۵. افزایش احتمال تأثیرگذاری بر نهادهای سیاستی؛ و

۶. فراهم کردن زمینه مشارکت گروه‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع در سیاست‌گذاری رفاهی.

هدف از برگزاری نشست‌های دیده‌بان رفاه و تأمین اجتماعی نیز تحقق این شش هدف است. از این‌رو، مطالب این نشست‌ها به‌صورت علمی و در قالب ادبیات سیاستی نگارش و در ساختار اجرایی پیگیری می‌شود. دلیل انتخاب عنوان «دیده‌بان رفاه و تأمین اجتماعی» هدف‌گذاری اصلی این نشست، یعنی رصد چالش‌ها و مسائل حوزه رفاه و تأمین اجتماعی است. روند جلسه‌ها بر این

دیدهبان رفاه و تامین اجتماعی

سياق است که در آغاز هر نشست، مدیرعامل سازمان مطالبی در ارتباط با موضوع آن جلسه مطرح و در ادامه مهمانان شرکت کننده، نقطه نظراتشان را بیان می کنند. در انتها، جمع بندی نیز توسط مدیرعامل صورت می گیرد.

در نشست چهاردهم از این سلسله نشست ها با موضوع «متناسب سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی؛ طرحی برای ارتقای سطح زندگی مستمری بگیران» موضوعات مهمی بحث و بررسی شد که اهم آن ها به شرح ذیل است: جزئیات طرح متناسب سازی مستمری ها و میزان افزایش دریافتی مستمری بگیران سازمان، بار مالی و منابع تأمین آن، طرح اولیه در خصوص ارائه کارت خرید اعتباری برای مستمری بگیران، لزوم استقرار نسخه نویسی الکترونیک و صرفه جویی های ناشی از آن، و طرح ارسال دارو به محل سکونت بیمه شدگان با بیماری های مزمن.

امید است گزارش ها و نشست هایی از این دست به تصمیم سازان و تصمیم گیران این حوزه در اتخاذ سیاست های مناسب یاری برساند. دریافت نظرها و پیشنهادهای خوانندگان محترم در راستای برگزاری بهتر نشست ها و نیز تولید گزارش های آینده کمک شایان خواهد کرد.

روزبه کردونی

رئیس مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



مصطفی سالاری، مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی

هفته تأمین اجتماعی را تبریک عرض می‌کنم. ما چند برنامه برای آینده داریم که لازم است دوستان کانون بازنشستگان بر روی آن متمرکز بشوند تا بتوانیم ابعاد آن و امکان عملی‌سازی‌شان را بسنجیم. یکی از این برنامه‌ها بحث کارت اعتباری خرید است که فرد بازنشسته اعتبارسنجی می‌شود و هرگاه موجودی حسابش صفر می‌شود تا یک مبلغ مشخصی می‌تواند خرید کند و اگر حساب فرد شارژ شود در یک موعد به آن سود تعلق نخواهد گرفت، بعد از آن مدت هم یا سود تعلق می‌گیرد یا می‌توان میزان این سود را تعریف کرد و یا حتی اصلاً سود تعلق نمی‌گیرد. این ایده اولیه است و نیازمند کار بیشتری است. ایده این است که بازنشسته می‌تواند از هر کجایی که کانون بتواند با آنجا تفاهم کند، خرید خود را انجام دهد. اولویت باید با مراکز باشد که تولیدات داخلی را می‌فروشند. کانون باید با این مراکز برای درصدی تخفیف مشخص، تفاهم کند که بخشی از این تخفیف به بازنشسته که خرید می‌کند تعلق می‌گیرد و بخشی از آن به بانک عامل، در برابر سودی که می‌خواهد، تعلق می‌گیرد تا این سود را از بازنشسته نگیرد. در واقع در سازوکار این طرح، مراکز دخیل در اجرا، سود خود را از بخش تخفیف فروشگاه می‌گیرند. توفیق این کار در گسترش تفاهم‌ها با فروشندگان بیشتر است تا همه‌جا در دسترس باشند. این کار هم برای فروشگاه‌ها به صرفه است، چراکه یک جمعیت سه و نیم میلیون نفری مشتری آن‌ها می‌شوند و خرید بیشتری از آن‌ها می‌کنند و هم فروشگاه‌ها در نهایت با فروش بیشتر و پول نقدی که بابت فروش می‌گیرند، می‌توانند درصدی از تخفیف برای بازنشستگان قائل شوند. ایده اصلی و اولیه این است که البته ممکن است در جلسات بعدی تغییراتی بکند و اصلاح شود.

یک طرح دیگر هم مطرح است که در چند استان به صورت آزمایشی اجرا شده است که در برخی موفق بوده و برخی هم با موانعی مواجه شده‌اند. ما بیش از یک میلیون و ۵۷۰ هزار نفر بیمه‌شده، اعم از مستمری‌بگیر و بیمه پرداز اصلی و تبعی که البته بخش اصلی آن‌ها بازنشستگان هستند، داریم که بیماری مزمن دارند و باید به صورت

ماهانه یا هر دو ماه یکبار به آن‌ها دارو بدهیم. آن‌ها باید برای این کار به درمانگاه یا مطب مراجعه کنند و نسخه‌نویسی شود و بعداً به داروخانه مراجعه کنند تا دارو را بگیرند. در این طرح ما می‌خواهیم به این طرف حرکت کنیم که اگر لزومی برای چکاپ مانند گرفتن فشارخون و غیره وجود دارد، این کار در منزل انجام شود و دوم اینکه برای ارسال دارو یا با پست یا با شرکت‌های جدید فعال در حوزه حمل‌ونقل تفاهم شود تا این دارو را به دست این یک و نیم میلیون نفر برسانند. بخشی از آن داروهای معمولی است و بخشی از آن داروهای خاص هستند که نیاز به تجهیزات خاص دارند. بررسی اولیه نشان می‌دهد که هزینه بسته‌بندی و ارسال داروها برای این افراد حدود ۱۰۰ میلیارد تومان می‌شود که در برابر تسهیل این امر برای یک و نیم میلیون نفر عدد زیادی نیست، با توجه به اینکه این افراد دیگر عملاً نیاز به ویزیت حضوری نخواهند داشت.

یک موضوع سوم که طرح اولیه است و باید بیشتر بررسی شود، این است که اعلام کنیم تمام پزشکان، اعم از عمومی متخصص، و هم مراکز درمانی و هم پاراکلینیک‌ها طرف قرارداد ما باشند. لذا بیمه‌شده‌ها به هر پزشک، هر آزمایشگاه و هر داروخانه‌ای مراجعه کنند از خدمات تأمین اجتماعی برخوردار شوند. پیش‌بینی همکاران این بود که ممکن است در سال اول هزینه‌ها را برای سازمان افزایش دهد، اما اگر هم‌زمان با استقرار نسخه‌نویسی الکترونیک باشد، احتمال دارد که اصلاً هزینه اضافه‌ای برای سازمان نداشته باشد. هرچند این طرح هنوز به‌خوبی بررسی نشده است، اما حتی اگر هزینه معقولی هم داشته باشد، انجام این طرح قابل دفاع است. درواقع ما در ۵۰ یا ۶۰ روز آینده که نسخه‌نویسی الکترونیک مستقر می‌شود، می‌توانیم اعلام کنیم که تمامی پزشکان و مراکز درمانی که بیمه‌شده سازمان تأمین اجتماعی به آن مراجعه می‌کنند، طرف قرارداد ما هستند. مگر اینکه خود پزشک یا مرکز درمانی مایل به این همکاری نباشد. در این صورت هم، ما تلاش خواهیم کرد تا مشکل را رفع کنیم. مثلاً تلاش می‌کنیم در موارد نسخه‌نویسی الکترونیک تا ساعت ۱۲ شب همان روز پول پزشک پرداخت شود. این طرح می‌تواند به‌خصوص در مناطق دورافتاده نگرانی‌ها و مشکلات را رفع کند و بیمه‌شده می‌توانند با پوشش بیمه‌ای تأمین اجتماعی از هرجایی خدمت بگیرد.

ان‌شاءالله این پیشنهادها بررسی می‌شود و نقطه‌نظرت مختلف گردآوری می‌شود. البته هیچ کدام از این طرح‌ها دور از ذهن نیست و برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که احتمالاً بتوانیم آن‌ها را اجرایی کنیم.



مهرداد قریب، معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی

در مدت یک سال با تلاش‌ها و زحمات آقای دکتر سالاری و با مشارکت جدی خود کانون عالی بازنشستگان و جناب آقای بیات و همکارانشان و با برگزاری جلسات مستمر، طرح متناسب‌سازی به‌صورت جدی و کارشناسی موردبررسی و بحث قرار گرفت تا این اقدام به شکل عادلانه اجرایی شود. درنهایت، متناسب‌سازی انجام شد که هم برای مستمری‌گیران و هم کارمندان و مسئولین سازمان جای خوشحالی دارد؛ چراکه در وضعیت تورمی فعلی، معیشت سه و نیم میلیون نفر به این افزایش و متناسب‌سازی حقوق گره‌خورده است.

به‌صورت خلاصه در این طرح، افرادی که در سال ۱۳۹۸ با ۳۵ سال سابقه کار و بر اساس حداقل دستمزد سال ۱۳۹۸، مبلغ یک‌میلیون و ۶۷۰ هزار تومان دریافت می‌کردند، با انجام متناسب‌سازی مستمری و مزایای جانبی شامل مسکن و بن و خواروبار، سه میلیون تومان دریافت می‌کنند که ۸۰ درصد افزایش نسبت به حداقل سال ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. برای افرادی که ۳۰ سال سابقه داشتند و حداقل دریافتی آن‌ها یک‌میلیون و ۶۶۷ هزار تومان بود، مقدار دریافتی با ۶۸ درصد افزایش به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید. برای افراد با سابقه ۲۵ سال که یک‌میلیون و ۶۶۵ هزار تومان دریافتی داشتند، با رشد ۵۰ درصدی، دریافتی به دو میلیون و ۴۹۱ هزار تومان افزایش یافت. همچنین، مستمری بازنشستگان با ۲۰ سال سابقه و دریافتی یک‌میلیون و ۶۶۴ هزار تومان با ۴۵ درصد افزایش به دو میلیون و ۴۲۱ هزار تومان افزایش پیدا میکند و مستمری‌گیران با ۱۵ سال سابقه و دریافتی همین مبلغ یک‌میلیون و ۶۶۴ هزار تومان، با ۴۲ درصد افزایش، دو میلیون و ۳۶۸ هزار تومان دریافت خواهند کرد. مستمری افراد با ۱۰ سال سابقه و دریافتی یک‌میلیون و ۶۶۴ هزار تومان با ۴۱ درصد افزایش به دو میلیون و ۳۴۳ هزار تومان افزایش پیدا میکند.

در ارتباط با افراد مشمول قانون تعیین تکلیف، افراد زیر ۲۰ سال سابقه، افراد با ۱۵ سال سابقه، که حداقل دریافتی ۸۳۲ هزار تومان بود، دریافتی با ۵۰ درصد رشد، به یک‌میلیون و ۲۴۶ هزار تومان

می‌رسد و افراد با ۱۰ سال سابقه با ۵۵۴ هزار تومان دریافتی، با ۵۹ درصد افزایش، ۸۸۱ هزار تومان دریافت می‌کنند.

به این شیوه متناسب‌سازی گفته می‌شود. متناسب‌سازی مستمری‌ها هم در ارتباط با سنوات پرداخت حق بیمه مستمری‌گیران و هم در ارتباط با میزان مستمری که برقرار می‌شود، محاسبه می‌شود. برای مثال، برای کسی که در سال ۱۳۹۰ بازنشسته شده و ۴ برابر حداقل دستمزد را دریافت می‌کرده است، این نسبت طی زمان تقلیل پیدا کرده است؛ به واسطه افزایش سالیانه مستمری حداقل‌گیرها نسبت به دیگر سطوح دستمزدی، در سال ۱۳۹۸ این چهار برابر به دو برابر تقلیل پیدا کرده است. یعنی دریافتی این فرد به میزان دو برابر حداقل دستمزد نسبت به سال برقراری کاهش پیدا کرده است.

برای محاسبه افزایش مستمری‌ها یک جدول پایه در نظر گرفته شد، به این صورت که این جدول پایه از ۱۵۰ هزار تومان شروع می‌شد و برای صفر تا ۱۰ سال سابقه یک مبلغ، ۱۱ سال یک مبلغ، ۱۲ سال یک مبلغ و تا ۳۵ سال به همین ترتیب ادامه می‌یافت که این مبلغ به ۴۶۵ هزار تومان می‌رسید. برای فردی با ۳۵ سال سابقه که مستمری وی به میزان دو برابر حداقل دستمزد کاهش پیدا کرده است، ۴۶۵ هزار تومان در ۲ ضرب می‌شود. یا اگر فرد بیست سال یا یازده سال سابقه دارد، بر اساس جدول پایه مبلغ افزایش تعیین و در ۲ ضرب می‌شود و ضریب متناسب‌سازی تعیین می‌شود.

علاوه بر آن، ضریب دیگری نیز برای سوابق بالای ۲۵ سال در نظر گرفته شد تا افرادی که سال‌های بیشتری حق بیمه پرداخت کرده‌اند، بتوانند بهره بیشتری را داشته باشند. این ضریب (ضریب ترغیب) برای افراد با ۲۵ سال سابقه، معادل یک درصد حداقل دستمزد سال ۱۳۹۹ به حقوق آن‌ها اضافه می‌کند. به همین ترتیب، پایه حقوق افراد با ۲۶ سال سابقه به میزان ۱,۲۵ درصد، با ۲۷ سال سابقه ۱,۵ درصد، با ۲۸ سال سابقه ۱,۷۵ درصد، با ۲۹ سال سابقه ۲ درصد، با ۳۰ سال سابقه ۲,۵ درصد، با ۳۱ سال سابقه ۳ درصد، با ۳۲ سال سابقه ۴ درصد، با ۳۳ سال سابقه ۵ درصد، با ۳۴ سال سابقه ۶ درصد و با ۳۵ سال سابقه به میزان ۸ درصد اضافه می‌شود.

این اقدامی بود که با مشارکت دوستان و با کار کارشناسی در جلسات مختلف انجام شد و بار مالی آن برای یک سال بیش از ۱۷ هزار میلیارد تومان خواهد بود. امیدوار هستیم در این طرح بتوانیم تا حدود زیادی نیازها و خواسته‌های مستمری‌گیران را تأمین کنیم.



علی اصغر بیات، رئیس هیئت مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته کشور

بنده، به عنوان یکی از اعضای کانون بازنشستگان، از تلاش‌ها برای پیگیری متناسب‌سازی، که هم حاصل تلاش کانون عالی و هم دیگر کانون‌های بازنشستگان و هم تلاش‌های آقای دکتر سالاری و جناب آقای دکتر شریعتمداری بود، تشکر می‌کنم. این عزیزان اراده کردند و این پرونده را که سالیان سال از طرف کانون بازنشستگان در حال پیگیری بود، دنبال کردند و به نتیجه رساندند. بدون شک، این تلاش‌ها و زحمات هم در خاطر کانون‌ها و هم در یاد بازنشستگان خواهد ماند. همان‌طور که جناب آقای قریب اعلام کردند، حقوق پایه حداقل بگیرها یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان بود که با احتساب ۲۶ درصد به یک میلیون و ۹۱۱ هزار تومان رسید، ولی خوشبختانه با اجرای طرح متناسب‌سازی، برای افرادی که سی سال بیمه‌پردازی داشتند، این مبلغ به ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان، که یک عدد قابل توجهی است، رسیده است که در طول تاریخ بی‌نظیر است. همین‌جا جا دارد که از رئیس‌جمهور محترم که شخصاً به این امر ورود کردند و همچنین وزرا و مدیرعامل محترم سازمان و دیگر عزیزی که این گره با دست آن‌ها باز شد، تشکر کنم.

در جلسه‌ای که روز یکشنبه در دفتر آقای دکتر سالاری، با رؤسای کانون‌های بازنشستگان کل کشور داشتم، با توجه به جدولی که هر دو گروه به صورت مشترک به آن رسیده بودند، مجدداً یک عدد قابل توجهی، برای دو موضوع دیگر به مبلغ دریافتی مستمری بگیران اضافه شد و به یک جدول مشترک با سه سناریو رسیدیم که آقای دکتر شریعتمداری از سناریوی کارشناسی سازمان تأمین اجتماعی دفاع کردند، اما با این وجود درخواست‌های کانون را هم پذیرفتند. مطابق با آن جدول، رقم ۱۳ هزار میلیارد تومان برای متناسب‌سازی و ۳ هزار میلیارد تومان هم برای بخش کمک‌هزینه مسکن اضافه شد که در کل بار مالی ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعلام شد.

باوجود این خدمات بزرگ، بحث متناسب سازی به خوبی در بخش رسانه ها مطرح نشد. این امر اتفاق بزرگی بود و ما انتظار داشتیم که از نظر رسانه های بهتر کار شود و جامعه و افکار عمومی متوجه آن بشود. من امیدوارم رضایتمندی خوبی حاصل شود و انتظار دارم صدواوسیما و دیگر رسانه ها بیشتر به این موضوع بپردازند.

قلی شادبخش، نائب رئیس هیئت مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته کشور



از برگزاری چنین جلسه ای کمال تشکر را دارم. در خصوص متناسب سازی حقوق بازنشستگان باید بگویم مطالب خوبی در جلسه عنوان شد و این اتفاقی که رخ داده است، علاوه بر جنبه های رفاهی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چراکه با این طرح، به طور متوسط ۵۰۰ هزار تومان به حقوق افراد بازنشسته اضافه می شود و این میزان از حداقل ۱۲۰ هزار تومان آغاز می شود و ممکن است تا یک میلیون تومان به حقوق افراد افزوده شود.

آنچه در اینجا اهمیت دارد، بحث عادلانه توزیع شدن بودجه است؛ ما دو محور در قانون تأمین اجتماعی داریم که سنوات بیمه و میزان بیمه پردازی است و سالیان سال است که به آن توجهی نشده و شاید جنبه حمایتی آن هم کاهش یافته است. متأسفانه کسانی که بازنشسته می شوند به سمت حداقل های حقوق نزول کرده اند و در مقابل، عملکردها نیز نامناسب بوده است و در نتیجه انگیزه ها از بین رفته است. به عنوان مثال، مبلغی که به عنوان همسان سازی مستمری ها در سال ۱۳۸۹ پرداخت شده برای کسانی که حق بیمه و سابقه بیشتری داشتند کمتر بوده است.

با این وجود به نظر می رسد، این اتفاق جدید، اولین قدم در خصوص عدالت بیمه ای است؛ ضمن اینکه رقم قابل توجهی هم به حقوق بازنشستگان افزوده خواهد شد و این در شرایطی است که اوضاع اقتصادی کشور را همه می دانیم و در نتیجه راهی که طی شده قابل تقدیر و تشکر است. قبل از آغاز سال جدید شخصاً اعتقادی نداشتم که همسان سازی انجام شود، اما اکنون که این امر انجام شده، اولین قدم به سمت عدالت بیمه ای برداشته شده است و امیدوار

شده‌ایم. این امر موجب ترغیب و تشویق بیمه‌شدگان خواهد شد و جا دارد از تیم آقای دکتر سالاری، به دلیل اینکه به شرکای اجتماعی اعتماد داشته‌اند، تقدیر و تشکر کنیم؛ چراکه در سال‌های گذشته کمتر از مشارکت و ظرفیت ما استفاده شده است و نمونه آن را در باشگاه مشتریان می‌بینیم که اگر مشارکت لازم انجام می‌شد، قطعاً اتفاق بزرگی می‌افتاد.

به‌نوبه خود به‌عنوان یک بیمه‌شده و کسی که سالیان سال، در تشکلهای بیمه‌ای فعالیت کرده‌ام، برای اولین بار است که می‌بینم اتفاقی بزرگ و مؤثر افتاده است و امیدوارم ثمره آن را بازنشستگان ببینند، چراکه این دستاورد در شرایط سخت به دست آمده و مطمئناً دعای بازنشستگان بدرقه راه شما خواهد بود.

محمد اسدی، عضو و دبیر کانون عالی کارگران بازنشسته کشور



گاهی باید شکرگزار نعمت خداوند باشیم چراکه گفته شده: «شکر نعمت، نعمت افزون کند، کفر نعمت، از کفّت بیرون کند» و گاهی شکرگزاری برخی رفتارها و مسائل به این دلیل است که بتوان نعمت بیشتری را به دست آورد.

اگر بخواهیم مدیریت مدرن، انقلابی و جهادی را ببینیم، معنایش این است یک مدیر ببیند چه خدمتی را می‌تواند به مردم ارائه دهد. در جلسات گذشته بحث‌هایی مطرح می‌شد که در حد وعده باقی مانده بود و تحقق پیدا نمی‌کرد و چندان هم باور نداشتیم که محقق می‌شوند. اما در چند ماه اخیر می‌توانیم به معنای واقعی، مدیریت انقلابی را ببینیم و شاهد برخی طرح‌ها باشیم که یکی از خروجی‌های آن، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان است. البته شاید نقدهایی بر آن وارد باشد، اما فراموش نکنیم با توجه به تورم افسارگسیخته در شرایط فعلی، هرچقدر حقوق افزایش می‌یافت، بازهم نمی‌توانست شاهد و شیرینی را به زندگی بازنشستگان بیاورد.

در شرایط گذشته ما به کمتر از این ارقام هم رضایت داشتیم، حتی راضی به این بودیم که با دو هزار میلیارد تومان، طرح همسان‌سازی حقوق را اجرا کنیم. در حالی که اصلاً این رقم عدد قابل توجهی نیست، اما به آن هم راضی بودیم تا مردم از این ناامیدی فاصله بگیرند. این در

حالی است که در هر محفل سیاسی، کم‌کم بازنشستگان تأمین اجتماعی در حال تحقیر شدن بودند. اما اکنون می‌بینیم برخی نیازهای بازنشستگان در حال شناسایی است و می‌خواهید داری مورد نیازشان را به درب منزل بازنشستگان پُست کنید. این یعنی بازهم، منزلت بازنشستگان در حال بازگشت است. در این زمینه هم تشکر می‌کنیم و هم آماده هر نوع همکاری هستیم.

این را هم باید بگویم، یکی از مشکلات این است که برخی نسخ ابتدا پیچیده می‌شوند و بعد مطرح می‌شوند که متأسفانه همین امر موجب عدم تحقق آن‌ها می‌شود، چرا که برخی نسخه‌ها برای مجموعه ما ساخته نشده است. از طرفی نکته دیگر این است که مجموعه بازنشستگی، جمعیت کثیری هستند و می‌توان از این ظرفیت برای دریافت تخفیفات مناسب سود برد که تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

فراموش نکنیم زمانی طرح‌ها محقق می‌شوند که مشارکت فکری از پایه شکل بگیرد، طرح اگر پخته نشود و مطرح شود، نتیجه نخواهد داشت. مدیریتی خوب است که خروجی طرح را هم کنترل کند. برخی از طرح‌ها مانند طرح عدم مراجعه حضوری برای سوابق دفترچه‌های بیمه از گذشته آغاز شده است، این طرح هم حسن دارد و هم ضرر. ضرر آن این است که همسران بازنشسته و فرزندان اناث، زمانی که به بیمارستان‌های ملکی ما مراجعه می‌کنند، به آن‌ها می‌گویند برای کنترل نهایی سوابق باید به سازمان مراجعه کنند و این اتفاق هر ۶ ماه یکبار باید رخ دهد و همسران و فرزندان آن حضوری باید مراجعه کنند.

مصطفی سالاری، مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی در این میان اعلام کرد:

ما به سامانه سازمان ثبت‌احوال متصل هستیم، پس بهتر است این اتصالات تکمیل شود و در نتیجه لزومی به مراجعه حضوری افراد نیست؛ چرا که احوال چهارگانه که طلاق، ازدواج، تولد و فوت است، به‌صورت سیستماتیک در این سامانه وجود دارد، بنابراین شما طرحی بنویسید تا این مشکل، که البته قابل حل است، برطرف شود.

محمد اسدی، عضو و دبیر کانون عالی کارگران بازنشسته کشور (ادامه):

در کل، در بسته همسان‌سازی واقعاً شمشیر عریان را در دست گرفتید و در وسط صحنه ایستادید. ما انتظار داریم که این گام اول برای تحقق شعار سازمان تأمین اجتماعی، «تیز امروز، پشتیبان فردا»، حرکت مؤثری باشد و بتوان دوباره این شعار را محقق کرد.

علیرضا حیدری، عضو خانه کارگر



همسان سازی حقوق بازنشستگان یک اقدام بزرگ و بااهمیت است، چراکه در صندوق بازنشستگی کشوری، سرجمع هزینه همسان سازی با جمع تعهدات بلندمدت در طول سال، معادل ۱۹ تا ۲۰ درصد کل تعهدات است و حالا در تأمین اجتماعی ۱۵ درصد یکجا محقق می شود. یعنی در یک سال، شاهد امری برابر با چند سالی که آن ها انجام می دهند، هستیم. این یک اتفاق بزرگ است و شهادت می خواهد. اما نگرانی بیشتر بنده بابت پایداری منابع است، چراکه از هرچه بگذریم از پایداری صندوق نمی توانیم بگذریم و هیچ گونه خدمتی نباید موجب عدم پایداری صندوق شود.

ضمن ابراز خوشحالی از اجرای این طرح، باید بگویم که اتفاقات ناخوشایندی در اقتصاد کشور وجود دارد، مانند کاهش ارزش پول ملی و افزایش معنادار نرخ تورم، که قدرت خرید درآمدهای ثابت را کاهش داده است و شاید نتوانیم سال آینده این گونه در مورد آن صحبت کنیم. علی ای حال، همسان سازی کار ارزشمندی در شرایط فعلی است و بر هیچ کس پوشیده نیست که این امر اراده قوی می خواهد. در تأمین اجتماعی اکنون این اراده شکل گرفته و انتقال به موقع و مناسبی نیز به مراکز تصمیم گیری بالادستی انجام گرفته است.

همچنین، در مورد پیشنهادات مطرح شده باید بگویم، گاهی هزینه- منفعت اقتصادی و گاهی هزینه- منفعت حسابداری داریم که در هزینه- منفعت حسابداری زیان می بینیم، اما در هزینه منفعت اقتصادی، سود کلان می بریم. من می خواهم در مورد پیشنهاد ارسال پستی داروهای بازنشستگان که مطرح شد، این را بگویم که اگر هزینه ای که بازنشستگان در بحث درمان پرداخت می کنند را در کنار آنچه پرداخت می کنند و ما نمی بینیم، در نظر بگیریم، باید بگویم این طرح، یعنی ارسال پستی داروها، منفعت اقتصادی خواهد داشت.

در خصوص سایر مسائل و در بحث توانمندسازی سازمان تأمین اجتماعی، باید بگویم که سازمان، تابع عددهای بزرگ است و می توان

گفت با انجام کارهای بزرگ و دقیق از طریق سازوکارهای مناسب می‌توان این‌گونه کارهای ارزشمند را انجام داد.

علی دهقان کیا، رئیس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران



روحیه ما با اقدامات انجام‌شده تغییر کرده است که عمدتاً به دلیل عملکرد مثبت دکتر سالاری است. تاکنون وعده‌های زیادی گرفته‌ایم که محقق نشدند تا جایی که دیگر از دولت هم ناامید شده بودیم، اما شما به داد این جامعه رسیدید و به ۸ تا ۹ میلیون خانواده بازنشسته آبرو بخشیدید و آن‌ها را خوشحال کردید و این خوشحالی در پایان مرداد بر سر سفره این خانوارها دیده خواهد شد.

باورمان نمی‌شد یک روزی همسان‌سازی حقوق‌ها انجام شود. در بحث درمان نیز باید بگوییم، دفترچه‌های بیمه از اعتبار افتاده بود، اما اکنون مجدداً دارای اعتبار شده است. امروزه بازنشستگان هزینه‌های بالایی بابت درمان می‌پردازند، به‌طوری‌که در گذشته و در بخش خدمات سرپایی ۳۰ درصد فرانشیز و در خدمات بستری ۱۰ درصد فرانشیز را پرداخت می‌کردند، اما اکنون علی‌رغم اینکه بیمه تکمیلی نیز پرداخت می‌شود، اما زمانی که به پزشکان طرف قرارداد مراجعه می‌کنند، می‌بینیم فقط برای نسخه‌نویسی، صد درصد فرانشیز را به همراه تمام هزینه ویزیت می‌گیرند.

یکی دیگر از مشکلات ما این است که ۷۹ قلم از داروها از شمول بیمه‌ای ما خارج شده‌اند و در نتیجه، این اتفاق هزینه زیادی را به بازنشسته تحمیل می‌کند. اما به‌طور کلی از ورود شما به مشکلات درمانی بیماران خاص و مزمن و همچنین موضوع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تشکر می‌کنم.



اسماعیل گرجی‌پور، رئیس دبیرخانه هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی

همسان‌سازی و متناسب‌سازی حقوق هر دو بار معنایی دارند؛ همسان‌سازی در تعاریف موجود برخلاف عدالت بیمه‌ای است، اما متناسب‌سازی وظیفه‌ای است که در چهارچوب نظام بیمه‌ای وجود دارد، چیزی که ما دقیقاً به دنبال آن بوده‌ایم.

متناسب‌سازی وظیفه یک صندوق بازنشستگی و ناشی از سنوات بیمه‌ای است که قدرت خرید مستمری‌بگیران را در طول سال‌ها حفظ کند، قدرت خریدی که از روز اول به‌تناسب سنوات پرداخت شده باشد و لا غیر. در نتیجه برای افرادی که بیشتر مشارکت کرده‌اند طبق بند «ط» قانون ساختار، عدالت در حوزه بیمه‌ای مشخص است. اما متأسفانه در قانون برنامه ششم و در حوزه صندوق بازنشستگی از واژه «همسان‌سازی» استفاده شده است.

به هر حال، چون با همه صندوق‌های بازنشستگی کار کرده‌ام، شاید بتوان گفت سازمان تأمین اجتماعی، ماهیت بیمه‌های اجتماعی خود را حفظ کرده است.

همچنین دریافت ۳۲ هزار میلیارد تومان طلب معوق سازمان تأمین اجتماعی از دولت اتفاق بزرگی است که منجر به اجرای «متناسب‌سازی» حقوق بازنشستگان شده است و امیدوارم متناسب‌سازی و جداولی که طراحی شده و اجماعی که انجام گرفته است، به عنوان توافقی همه‌جانبه باقی بماند که حتماً هم همین‌طور است. در بحث پایداری منابع نیز به عنوان یک کارشناس می‌گویم، در این بررسی‌ها علاوه بر مطالباتی که از دولت گرفته شده، این طرح متناسب‌سازی اثر آن‌چنانی در برهم زدن تعادل بودجه‌ای نخواهد داشت.

سیدهادی موسوی نیک، نماینده مرکز پژوهش‌های

مجلس



بنده نظرات خود را در بحث متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان در جلسه‌ای که در کمیسیون اجتماعی مرکز پژوهش‌ها برگزار شد مطرح کرده‌ام. یکی از دغدغه‌هایی که با نرخ تورم فعلی مطرح شده این است که در دو سال اخیر، تلاش‌های ۱۲ ساله‌ای که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ در مورد بهبود شاخص‌های مستمری‌ها در پوشش سطح معیشت انجام شده بود، دچار چالش جدی شد؛ به‌طوری‌که از ۴۸ درصد اعلام شده در برنامه ششم توسعه به نصف آن کاهش یافته بود که این یک دغدغه مهم است.

درواقع در بحث متناسب‌سازی حقوق با اتفاقی که رخ داده است، می‌توان گفت به‌اندازه یک دولت توانسته‌ایم جبران کنیم و بهبود جدی داشته باشیم و در سال جاری، که به نام جهش تولید نام‌گذاری شده است، امیدوارم به نحوی پیش برویم که شاهد نتایج شیرین این تلاش و بهبود این شاخص‌ها در سال آینده باشیم.

سخنان جمع‌بندی مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

بر اساس مواردی که مطرح شد، مورد اول مربوط به متناسب‌سازی مستمری‌ها بود که چند نکته اشاره شد. اول اینکه این کار متناسب با سنوات خدمت هر فرد بوده است. کسانی که حداقل بگیر بوده‌اند، با ۳۰ سال سابقه کار یا ۳۵ سال، یا با ۲۵ سال، به‌اندازه هم دریافتی داشته‌اند، اما با اجرای طرح متناسب‌سازی تفاوت محسوسی بین آن‌ها وجود خواهد داشت. درست است که برای همه افزایش پیدا کرده است، ولی تفاوت محسوس است.

دوم، اینکه فرد با چه حقوقی بازنشسته شده در طرح متناسب‌سازی مهم است. در سنوات اخیر، غیرحداقل‌بگیرها سال‌به‌سال نسبتشان به حداقل‌بگیرها کمتر می‌شد. کسی که در سال اول بازنشسته شده مثلاً ۴ برابر حداقل‌بگیر دریافتی داشت، با توجه به اینکه حقوق بیشتری در دوره اشتغال می‌گرفت و کسورات بیمه بیشتری به سازمان پرداخت کرده است، سازمان نسبت کنونی را به آن نسبت اولیه نزدیک‌تر کرده است. قبل از این، کاری به این نداشته‌ایم که فرد پول کمتر یا بیشتری به صندوق واریز کرده است، کسی که پول بیشتری به صندوق واریز کرده بود سال‌به‌سال نسبت مستمری‌اش را به حداقل نزدیک‌تر می‌کردیم. چنین وضعیتی وجود داشت که برای آن فرمولی تعریف شد که فرمول خوبی هم بوده است. با نظر مشترک همکاران و کانون عالی بازنشستگان، متناسب‌سازی بر اساس این دو مبنا اتفاق افتاده است. اگر میانگین را برای همه افراد مستمری‌بگیر، شامل حداقل‌بگیران، با سوابق ۱۰ سال تا ۳۵ سال حساب کنیم، تقریباً در قبال هر نفر ۵۶۰ هزار تومان به دریافتی اضافه می‌شود؛ ولی برای حداقل‌بگیر با ۳۵ سال سابقه تقریباً ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار، یعنی ۸۰ درصد، به دریافتی اضافه شده است و مستمری‌اش حدود ۳ میلیون تومان می‌شود. برای غیرحداقل‌بگیر با ۳۵ سال سابقه کار، بیشتر از این مبلغ اضافه شده است. در این مورد در مصاحبه اول بنده اعلام کردم که بین ۴۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان اضافه می‌شود؛ ولی الآن که نگاه می‌کنیم، ۸۰۰ هزار تومان عدد دقیقی نبوده و بیشتر از این می‌تواند اضافه شود و ان‌شاءالله تا مردادماه از طرف آقای قریب، معاون بیمه‌ای، و با یک کار فشرده، مقدمات فنی اجرا شود تا بتوان در مردادماه سال جاری همه موارد را پرداخت کرد و کسی از اعمال آن بازماند.

مورد دوم در خصوص پایداری منابع است. در مورد پایداری منابع، اگر خواست بر این بود که کار بدون حساب‌و‌کتاب باشد، این امر پارسال اتفاق می‌افتاد. حتماً حساب شده و منابع تأمین شده است. بر اساس قول‌های دیگری که گرفتیم، تقریباً مطمئن هستیم که می‌توانیم در نیمه دوم سال، غیراز این مصوبه، منابع دیگری هم بگیریم. با فرض بار مالی ۱۷ هزار و پانصد میلیارد تومان، این ۳۲ هزار میلیارد تومان بار مالی دو سال را تأمین می‌کند؛ البته، سال دیگر با احتساب افزایش، ۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه جدید خواهیم داشت. باین حال، این ۳۲ هزار میلیارد

تومان، حتی اگر افزایش هم روی آن لحاظ شود، جواب خواهد داد. همین مبلغ ۳۲ هزار میلیارد هم که امکان نگهداشت آن وجود دارد، یکسان نمی ماند.

نکته بعد، با سازمان خصوصی سازی توافق شده است که قیمت گذاری سهام بابت رد دیون دولت به تاریخ مصوبه دولت باشد؛ در متن مصوبه دولت صرفاً بحث انتقال مطرح شده است، اینکه چقدر قیمت گذاری شود و از دولت کم شود، این فرایند بعدی است. کار انتقال تمام شده است، البته درست که تشریفات ثبتی مانده است، ولی به لحاظ حقوقی منتقل شده است.

در مورد پایداری منابع، اصلاً مشکلی وجود ندارد. امسال، بودجه سازمان ۱۷۲ هزار میلیارد تومان است. فرض کنید ۱۸ هزار میلیارد هم اضافه شود، ۱۹۰ هزار میلیارد می شود. پیش بینی ما این است که با معوقات و غیر معوقات و همه چیز، ماهی ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد وصول کنیم؛ ۱۲ ماه به صورت میانگین ۱۲ هزار میلیارد که البته برآوردهای ما رقم بالاتری را نشان می دهد. با این حساب، تقریباً ۱۵۰ هزار میلیارد در سال درآمد بیمه ای خواهیم داشت. حدود ۱۷ هزار میلیارد هم در بودجه ۱۳۹۹ پیش بینی شده؛ و سود سهام هم، که مجمعش برگزار نشده ولی محاسباتش انجام شده، ۱۷ الی ۱۸ هزار میلیارد هست. به فرض عدم توزیع ۱۰ درصد آن، حتی اگر ۹۰ درصد آن توزیع شود و به سازمان به عنوان سهامدار برسد، از صرف سود سهام و نه فروش آن، ۱۶ هزار میلیارد تومان دیگر هم داریم، ۱۴ هزار میلیارد تومان هم اسنادی که من خوش بین هستم بتوانیم از دولت بگیریم.

پارسال که خیلی این مسیر باز نشده بود، چیزی حدود ۸ هزار میلیارد تومان از دولت بابت مطالباتمان دریافت کردیم. این ها روی هم ۱۸۰ هزار میلیارد می شود که ۱۰ هزار کسری دیگر را هم نهایتاً از محل آن ۳۲ هزار میلیارد تومان تأمین می کنیم. بنابراین، لزومی ندارد حتماً دارایی بفروشیم؛ می توانیم قرض کنیم یا سکوک، اوراق مشارکت یا مانند آن منتشر کنیم و نرخ ۱۸ درصد سود بدهیم. مطمئن هستیم سهام بیشتر از ۱۸ درصد گران خواهد شد. یعنی در اینکه دارایی ها و شرکت ها را زود بفروشیم و متناسب سازی را با آن اجرا کنیم، یا اینکه تسهیلاتی دریافت کنیم و یا از مردم قرض کنیم و یا از سایر روش های تأمین مالی استفاده کنیم و ۱۸ درصد هم سود بدهیم، به نظر می رسد شیوه دوم در شرایط چند ماه گذشته و یکی دو سال گذشته و باتوجه به پیش بینی حفظ این روال در ماه های آینده، قطعاً به نفع ما است. یعنی از روش های دیگر تأمین مالی، غیر از فروش دارایی ها، هم استفاده کنیم که مبتنی بر قرض گرفتن از بانک یا مردم است، که اگر این کار را نکنیم دیگر نگرانی نداریم. در کل هم، اگر منابع و مصارف را با احتساب هزینه متناسب سازی به صورت حدودی حساب کنیم، حتی اگر یک ریال از مطالبات را هم نگیریم، یعنی ۲۵۰ هزار میلیارد تومان یا هرچقدر مطالبه از دولت را کنار بگذاریم و آن را جزو سرمایه بلندمدت و ذخیره سنوات آینده و آتی و ده سال

دیگر حساب کنیم، باز ما ضرر نمی‌کنیم، اگر دیر هم بگیریم چون به‌روزرسانی می‌شود، این پول ارزش خودش را از دست نمی‌دهد. حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان هم از مردم، از کارگاه‌ها در سراسر کشور، طلب داریم. اگر آن را هم کنار بگذاریم، و صرفاً دولت سهم تعهد هرساله‌اش را، که گفته است حق بیمه اقشاری را می‌دهد، بدهد، ما همه سال‌ها با احتساب هزینه متناسب‌سازی، به لحاظ پایداری مثبت هستیم. یعنی امسال شما محاسبه بکنید، اگر ما متناسب‌سازی را اجرا کنیم، حدود ۲۵ الی ۳۰ هزار میلیارد تومان مثبت خواهیم بود. باوجود همه این موارد آنچه کسری می‌آوریم، نصف آن چیزی است که تعهد امسال دولت بابت حمایت از اقشار خاص و نرخ حق بیمه ۳ درصد است که ۴۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود؛ نصف این مبلغ مشکل ما را حل می‌کند. در سال آینده هم همین حدودها مطرح است.

یعنی اگر ما وضعیتمان همین‌طور باشد، بدون اینکه یک ریال از طلب‌ها را بگیریم، فقط با دریافت تعهدات جاری دولت، متناسب‌سازی قابل‌اجراست و با مشکلی مواجه نخواهیم شد. هیچ‌کدام از این موارد بدون حساب و کتاب نبوده است. من مطمئن بوده‌ام که شدنی است، تازه کمی هم احتیاط شده است. حتی گفته شد که اگر دولت مبلغ مصوب‌شده را هم ندهد، باز ما طرح را اجرا می‌کنیم چون می‌توانیم. ولی کاملاً احتیاط شده است که منابع ما به میزان تعهدات معمولان به‌اضافه هزینه متناسب‌سازی باشد و برای سال‌های آتی هم اطمینان می‌دهم که ما مشکلی نخواهیم داشت.

نکته دیگری که به‌درستی گفته شد، اینکه ما همه مباحثمان را در مورد محاسبات، صرفاً بر بعد اقتصادی و مالی انجام ندهیم و بعد اجتماعی را هم در نظر بگیریم. بحث فایده اجتماعی بحث مهمی است. برخی تلاش می‌کردند تا به‌نوعی خودشان اعتبار سازمان را خراب کنند، اینکه داریم ورشکسته می‌شویم، بدبختیم، بیچاره‌ایم، به ما پول ندادند. بله ندادند؛ اصلاً لزومی ندارد که ما سازمان و اعتبارش را خراب کنیم، فقط برای اینکه برویم طلبمان را بگیریم. نه، ما اعتبار سازمان را صیانت می‌کنیم، طلبمان را هم می‌گیریم. در روزهای اول از طرف دولتی‌ها به بنده گفته می‌شد که شماها بیشتر اغراق می‌کنید که آن قدر وضعیتان خراب است. ما درواقع می‌خواستیم دولتی‌ها را متقاعد کنیم که باور هم نکرده بودند، اما مردم که نباید ذهنشان مغشوش شود. با این کار، اعتبار سازمان در سطح کل کشور و منزلتش در پیش مردم را خراب کرده بودیم. این تاکتیک هم به نتیجه نرسیده بود، ضررش را دیده بودیم و منفعتش را هم نبرده بودیم؛ بنده در ماه اول با هر کس، هم در دولت و هم مجلس، مطرح کردم و مذاکره کردم، نظر بر این بود که اغراق شده است. در کمیسیون اجتماعی مجلس هم عرض کردم در بلندمدت، برای اینکه سازمان استوار و محکم بماند و همه وظایف را به‌درستی انجام دهد و قدرت خرید بازنشسته را کم نکنند، نیاز است یک کارهایی اتفاق بیفتد. بله ممکن است تورم

۴۰ درصد باشد و سالی ۱۰ درصد به مستمری‌ها اضافه شود. ما می‌توانیم با این فرمول، به‌ظاهر سرپا بمانیم. تا بیست سال آینده هم مشکل نداشته باشیم. با همین فرمول، که هر سال ۲۰ الی ۳۰ درصد از ارزش پول واقعی که به بازنشسته می‌دهیم کاهش می‌یابد، به‌ظاهر مستمری افزایش یافته، ولی درواقع ۴۰ درصد تورم و ۱۰ درصد افزایش حقوق است. ولی اگر می‌خواهیم با افزایش تورم قدرت خرید مستمری‌ها کاهش پیدا نکند و ارزش پولی که به مستمری‌بگیران از محل اندوخته خودشان نزد سازمان پرداخت می‌شود کم نشود، دو سه تا کار حتماً نیاز است که انجام دهیم. گرفتار شعارهایی که خودمان هم بعداً متوجه آثار منفی آن می‌شویم و برای ما بار ایجاد می‌کند، نشویم.

الآن مشاغل سخت و زیان‌آور برای خودش واقعاً بازاری شده است؛ کسی مخالف این نیست که حق و حقوق کسی که کارش سخت و زیان‌آور است، رعایت شود. هیچ‌کس مخالف نیست، ولی اینکه کسی نباید این فرد یا آن فرد را ببیند و کاری که اصلاً سخت و زیان‌آور تلقی نمی‌شود، یک‌دفعه سخت و زیان‌آور تلقی بشود، در ۳۹ سالگی بازنشسته بشود و یک یا دو حقوق هم بگیرد و بعدش هم جای دیگری کار کند، با چه اصولی و اخلاقی و با چه معیاری سازگار است؟ چرا باید مسیری درست کنیم که این اتفاق‌ها بیفتد. کسی که واقعاً کار سخت و زیان‌آور می‌کند، باید در پرداخت و احتساب سنوات و هر آنچه لازم است حمایت شود. نه اینکه در باز شود و قاعده نداشته باشد و مبتنی بر نظر شخصی سه نفر ما باشد که در جلسه نشستیم که ممکن است فرد ذی‌نفع روز قبلش یکی از اعضای جلسه را دیده باشد. حقیقتاً در دنیا مشابه ندارد که در ۳۵ یا ۳۶ سالگی فردی بازنشسته بشود و با پول بازنشستگی ازدواج کند. در دنیا سن ملاک بازنشستگی است و سنوات ملاک متناسب‌سازی است؛ کسی که ۳۰ الی ۴۵ سال حق‌بیمه پرداخت کرده، متناسب با آن حقوق بازنشستگی دارد. به همین دلیل فرد انگیزه دارد که بیشتر کار کند. ما الان انگیزه می‌دهیم که فرد زودتر بازنشسته بشود یعنی شما زودتر بازنشسته بشو و بیشتر بگیر، که قطعاً در دنیا، در هیچ کشوری با هر سطح توسعه‌یافتگی، مشابه ندارد.

در بحث سنوات بازنشستگی ما مشکل داریم؛ همین افراد ۳۵، ۳۶ الی ۴۲ ساله باید ترغیب شوند که بیشتر کار کنند و بیمه پردازی را ادامه دهند، تا حقوق بازنشستگی‌شان بیشتر شود. ترغیب نکنیم که افراد حتماً در چهل سالگی بازنشسته شوند. هنگامی که مستمری‌ها را افزایش می‌دهیم یا تعدیل می‌کنیم، حتماً باید حق آن فرد که بیشتر کار کرده دیده شود، یعنی انگیزه مالی و حق مالی او دیده شود. این کارهای پوپولیستی به صندوق بین‌النسلی و مطمئناً از جیب مردم لطمه می‌زند. راهی غیراز این نداریم که منابع و مصارف سازمان باید با هم بخواند. اگر می‌خواهیم منابع و مصارف با هم بخواند، نباید فرد ۳۵ ساله بازنشسته شود؛ نباید کسی که کارش سخت و زیان‌آور نیست، سخت و زیان‌آور محسوب کنیم؛ از جیب کارگر به افرادی بدهیم

که اسناد متقلبانه دارند یا روال متقلبانه در آن توفیق پیدا می‌کند.

نکته بعدی اینکه به نظر می‌رسد اگر بخواهیم سراغ متناسب‌سازی واقعی برویم، معدل گرفتن حقوق دو سال آخر اشتغال، هم در دولتی‌ها و هم برای سازمان، حقیقتاً خطا است. بالاخره فردی که ۳۰ سال کار کرده است، حقوق همه سال‌ها باید به‌روزرسانی شود، معدل گرفته شود، و این حق فرد است. فکر می‌کنیم این به ضرر کارگر است، اما این به ضرر کارگر نیست؛ دو سال آخر اگر من بیشتر گرفتم، ظاهراً به نفع من هست. اما الآن پیش می‌آید که فردی ۱۵ سال در جوانی در جای سخت کار کرده است، مثل سیستان و بلوچستان، و دو و نیم برابر حقوق فعلی دریافت می‌کرد؛ اما در سال‌های آخر نزدیک خانواده کار کرده و گرچه رفاهش بیشتر شده، سختی کار کمتر شده و کمتر دریافت کرده است، پس برعکسش هم هست. فردی که سی سال کار کرده است متناسب با حقوق خود به صندوق کسورات داده است، پس باید متناسب با آن میانگین حساب شود. چون میزان حقوق به‌روزرسانی می‌شود و هم میزان سنواتی که پول داده است حساب می‌شود.

این‌ها مواردی است که باید به سمتشان برویم، اگر نرویم نه مبتنی بر عدالت، نه منطق، و نه صیانت حقوق افراد است. یکی آمده است پولی اینجا گذاشته، از این بیشتر بگیریم و به آن بیشتر بدهیم، اصلاً این کار صندوق نیست، این کار دولت است. دولت مالیات می‌گیرد و به طبقه کم‌درآمد رسیدگی می‌کند. اصلاً تعریف دولت رفاه این است؛ از پولدار بیشتر می‌گیرد و صرف بی‌پول‌ها می‌کند. وظیفه سازمان تأمین اجتماعی یا صندوق بازنشستگی این نیست، در هیچ جای دنیا هم نیست. حتی الآن، اگرچه وظیفه داریم به‌نوعی از منظر ملی همکاری کنیم، اما وقتی کارخانه‌ای که نمی‌تواند حق بیمه دهد، پرداختش را ۵ ساله قسطی می‌کنیم، ارزش آنچه از کارخانه‌دار دریافت می‌کنیم با احتساب تورم کمتر از آن چیزی است که باید می‌گرفتیم؛ با تقسیط کردن ۶۰ ماهه در حالت خوش‌بینانه ارزش پول نصف می‌شود. حمایت از کارخانه‌داری که نمی‌تواند حق بیمه بدهد وظیفه صندوق تأمین اجتماعی نیست. منبع این حمایت باید مالیات باشد، چون اشتغال باید از طریق مالیات حمایت بشود نه از محل صندوق بازنشستگی؛ چرا که در صندوق تعدادی از افراد بیمه شده‌اند، و بابت بیمه شدن آن‌ها از کارخانه‌دار حق بیمه می‌گیریم. اگر این کار را نکنیم، باید از جیب بقیه کارگرها خرج کنیم. این موارد نیازمند ایجاد توازن است؛ این بدان معنی نیست که فضای عمومی کشور یا شرایط دولت درک نمی‌شود، بلکه به این معناست که وقتی این همکاری را انجام می‌دهیم بدانیم که این کار وظیفه اصلی ما نیست. این وظیفه بر عهده دولت است و درست نیست که منابع مالی که از جیب کارگر یا از سوی کارفرما در صندوق به امانت گذاشته است، را صرف جایی کنیم که کارخانه‌اش از فعالیت نایستد. اصولاً این امر درست نیست. ممکن است موارد استثنا ایراد نداشته باشد، ولی نباید

تبدیل به یک اصل شود. جانداختن این واقعیت کار راحتی نیست. ما اگر جای دیگری بگوییم اوقات تلخی می کنند، بنابراین هر کس در این جایگاه باشد باید با دولت تعامل کند. لذا آنچه ما می گوییم در حد ضرورت می شود انجام داد و نه در حد قاعده عام؛ که باید به نوعی اطلاع رسانی همگانی شود و تشریح آن نکته مهمی است.

نکته بعدی در خصوص نسخه الکترونیک است، مثلاً گفته شد برخی اقلام را پوشش نمی دهیم. برخی اقلام هم پوشش داده می شود اما چون آن مرکز درمانی یا کلینیکی طرف قرارداد نیست، باید به خسارت متفرقه و اسناد پزشکی مراجعه شود و به آن رسیدگی شود. در نسخه الکترونیک مسئله دوم کاملاً حل می شود. به دلیل اینکه چه در مراکز طرف قرارداد و چه در مراکز غیر طرف قرارداد، نسخه نویسی الکترونیکی کامل می شود و بدین ترتیب، رسیدگی را حتماً به زیر یک هفته کاهش خواهیم داد. این کار جزو مباحثی است که به صورت جدی پیگیری می شود و باید حل شود. با نسخه نویسی الکترونیکی، چون در سامانه نسخه نویسی انجام می شود و به نوعی راهنمایی تجویز و بالینی باعث می شود که برخی نسخه نویسی هایی که خارج از قاعده است نتوانند اتفاق بیفتند، پیش بینی می شود که ۲۰ الی ۳۰ درصد هزینه های نسخه نویسی، یعنی هزینه دارو و پاراکلینیکی کاهش پیدا کند. این هزینه را می توانیم برای توسعه پوشش اقلام و خدماتی که تاکنون پوشش نمی دادیم، صرف و هزینه کنیم و به این ترتیب مشکل اول در این زمینه هم رفع می شود. فرض کنیم اگر همه گایدلاین ها بارگذاری شوند، حداقل صرفه جویی ۲۰ درصد است. این ۲۰ درصد به معنای مبلغ ماهانه ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیارد تومان است. ما با کمتر از این مبالغ می توانیم اقلام فاقد پوشش را پوشش دهیم و همچنین اگر داروی مورد نیاز برای ۱.۵ میلیون نفر را به منزل بفرستیم، زیر ۱۰۰ میلیارد هزینه پستی اش می شود که تازه خودش هزینه اجتماعی و حتی هزینه مالی را هم کاهش می دهد.

ما نهایتاً ۴ تا ۵ موضوع خواهیم داشت که از محل صرفه جویی حاصل از اعمال گایدلاین ها می توانیم آن ها را پوشش دهیم. به جز موارد استثناء مانند اینکه یک نفر بخواهد از اتاق تک نفره و وی آی پی استفاده کند، من دور از ذهن نمی بینم که بتوانیم در کوتاه مدت و قبل از پایان سال اطمینان بدهیم، در درمان به مفهوم واقعی، هیچ بیمه شده ای از این ۴۵ میلیون نفر دغدغه نداشته باشد که عمل جراحی و یا خدمتی برای سلامتی اش بخواهد و تأمین اجتماعی بگوید که پوشش نمی دهد.

در مورد متناسب سازی هم واقعاً آقای رئیس جمهور پس از ۷ سال اولین مورد بود که با واگذاری سهام بابت رد دیون موافقت کردند. اولین واگذاری هم هفته گذشته بود که ۳۲ هزار میلیارد تومان بوده است. دوماً آقای شریعتمداری پیگیر بوده و حامی ما بوده است. حتی آقای نوبخت در جلسه دولت گفته بود اگر بشود این مبلغ را به بیشتر از ۳۲ هزار میلیارد تومان افزایش دهیم

که دیگر لیست بسته شده بود و کارهای کارشناسی انجام شده بود. می‌خواهم بگویم دکتر شریعتمداری واقعاً حمایت کردند. ضمن اینکه این کار وظیفه اداری و تکلیف قانونی مان بوده است، و گاهی کار قانونی عجین می‌شود با آنچه دلمان می‌خواهد. در این کار بُعد دوم خیلی پررنگ بود. هم برای افراد حاضر و هم برای رئیس‌جمهور، آقای جهانگیری، آقای نوبخت و آقای شریعتمداری. من سال گذشته در جلسه به آقای جهانگیری گفتم برخی بازنشستگان آن‌قدر درآمدشان کم است که یک روز تعطیل که نوه‌شان می‌خواهد بیاید خانه آن‌ها، بهانه می‌آورند و از خانه بیرون می‌روند، چون نمی‌توانند تدارک ببینند. واقعاً ایشان تحت تأثیر قرار گرفتند. آن لحظه، اگرچه از نظر اصول مدیریتی و علمی با اختصاص سهام برای رد دیون به‌صورت کلی مخالف بودند، فوراً اعلام کردند که در مورد بازنشستگان تأمین اجتماعی با این کار موافقم و جلسه می‌گذارم.

یقین دارم همه این افراد می‌خواستند طرح اجرا شود و هر چند قانون تکلیف کرده و اجازه داده بود، برای آن‌ها بیشتر از کار اداری، به‌عنوان کار دل‌مطرح بود. من مطمئنم در ادامه مسیر هم کار را پیش می‌برند و ان‌شاءالله می‌توانیم در آینده سهام و مطالبات بیشتری از دولت بگیریم و همین‌طور منابع پایدارتری ایجاد کنیم و نسبت به سنوات آینده اطمینان می‌دهم اگر با برنامه باشیم قطعاً مشکلی نخواهیم داشت.

